

علیه تیره ظلم

عمره

۸۰/۱۲/۲۱
رهبرانقلاب اسلامی

سلطه باطل با قساوت و وقاحت تمام روبه افزایش بود. هیچ امریه معروف و نهی از منکر هم ممکن نبود. حرکت و قیام امام حسین علیه السلام در آن زمان، برای درهم شکستن آن بود، نه به قصد قدرت طلبی. قیام امام حسین علیه السلام برای امریه معروف و نهی از منکر بوده است.

امر به معروف و نهی از منکر
در سیره شهدا

ناصر کاوه

امروز کشور ما به بزرگداشت شهدا احتیاج دارد

امروز کشور ما به بزرگداشت شهدا احتیاج دارد. تهاجم دشمنان در سطح مسائل معنوی، بسیار مشکل سازتر از حملات سخت است... شهدا در زمانی که زنده بودند، با جان خودشان دفاع کردند؛ امروز با هویت و معنویت خودشان دارند از هویت کشور و اسلام دفاع می کنند.

امام خامنه ای: در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت

شهدای استان خراسان جنوبی

۱۴ آبان ۱۴۰۲



نباید گذاشت جوشش خون شهیدان فرو بنشیند زیر آتش همدان هویت

ملت ایران هستند و ملت نباید هویت خود را فراموش کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه ای

۲۳ آذر ۱۴۰۲

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب امر به معروف و نهی از منکر در سیره شهدا

نویسنده: ناصر کاوه
گرافیک و طراح: علی کربلائی
حروف نگار و ویراستار: نرگس کاوه
مشاور طرح: مهدی کاوه
روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی
رسانه و فضای مجازی: لیلا عاقلی
قیمت: صلوات بر محمد و آل محمد (ص)

سرشناسه: کاوه، ناصر، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: امر به معروف و نهی از منکر در سیره شهدا

مشخصات ظاهری: ۴۰ ص.

شابک:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: شهیدان — ایران — بازماندگان — خاطرات

موضوع: Martyrs — Iran — Survivors — Diaries

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ — خاطرات

موضوع: Personal narratives — Iran-Iraq War، ۱۹۸۰-۱۹۸۸

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:





در بیان زندگی‌نامه‌ی شهیدان سعی کنیم خصوصیات زندگی اینها و سبک زندگی
اینها و چگونگی مشی زندگی اینها را تبیین کنیم، این مهم است امام خامنه‌ای

این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)
امام خمینی (ره)، شهدا از صدر اسلام تا تمامی شهدای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران
جبهه ی مقاومت تا شهدای جنگ دوازده روزه

امام خامنه‌ای

...ما با شهدا معاصر بودیم و جهاد و ایثار و شهادت و گره‌گشایی‌ها و ایستادگی آنان در مقابل قدرتها را دیدیم اما نسل جوان، این موضوع را با وضوح و بدهاقتی که ما متوجه شدیم، نمی‌بیند، بنابراین هریک از علما، روشنفکران، دانشگاهیان و صاحبان مناصب دولتی، باید به تناسب جایگاه خود نقش آفرینی کنند. راه مقابله با جنگ شناختی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی جبهه دشمنان انقلاب اسلامی، استمرار راه شهدا و عمل به درس آنان یعنی مجاهدت، ایستادگی و مقاومت است...

...عزیزان من، برادران خوب، خواهران خوب! بدانید، امروز هم پیام شهیدان اگر به گوش ما برسد، از ما خوف را و حزن را برطرف خواهد کرد. آنهایی که دچار خوفند، آنهایی که دچار حزنند، این پیام را نمی‌گیرند، نمی‌شنوند، وَاَلا اگر صدای شهیدان را بشنویم، خوف و حزن ما هم محو خواهد شد، به برکت صدای شهیدان...

فهرست مطالب

مقدمه / ۸

امر به معروف از زبان روح الله / ۱۲

شهدای امر به معروف / ۱۶

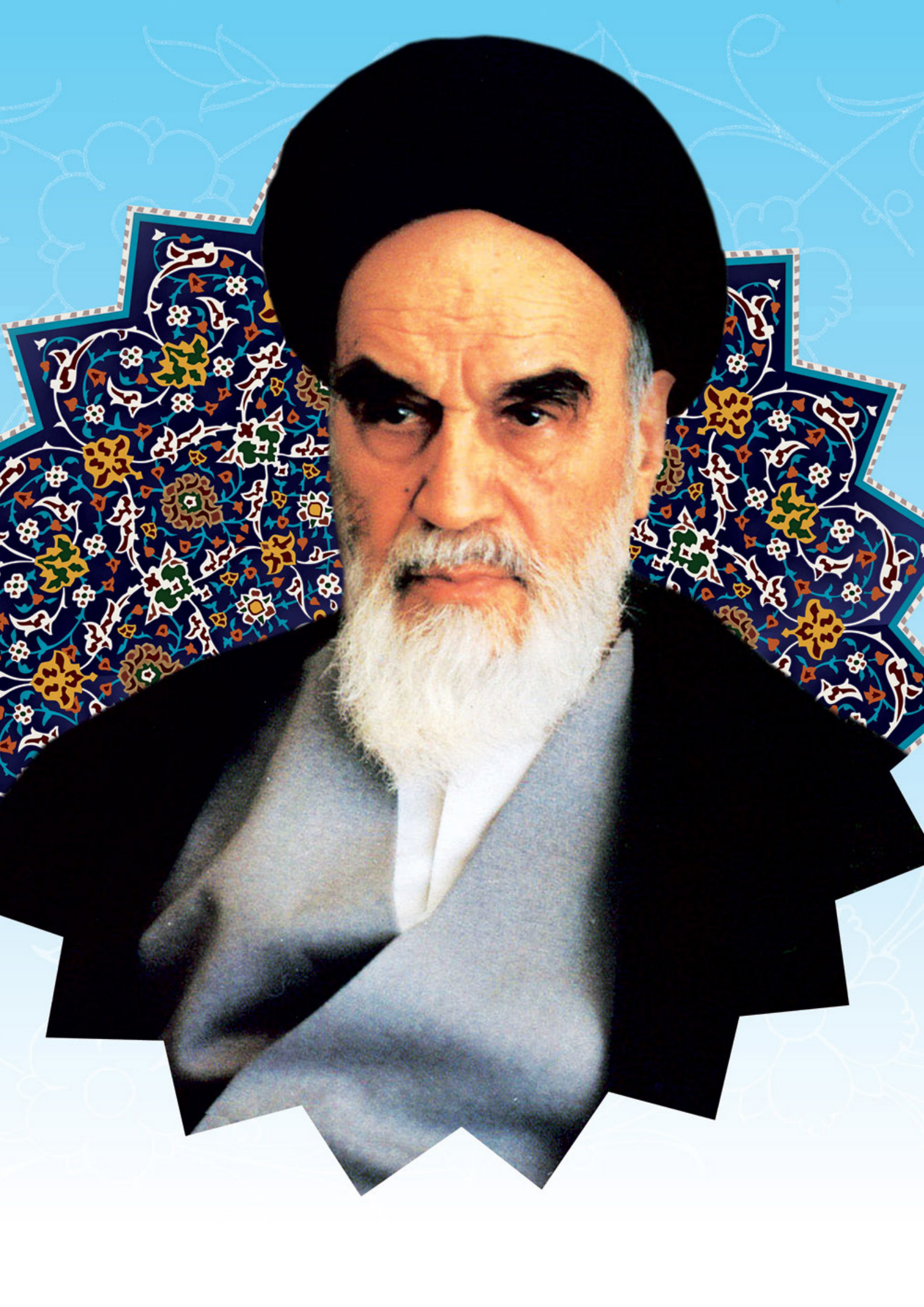
شهید تقوی / ۲۰

شهید امر به معروف / ۲۴

شهید مسعودخانی / ۲۸

شهدای امر به معروف / ۳۲

امر به معروف از بیان رهبری / ۳۶



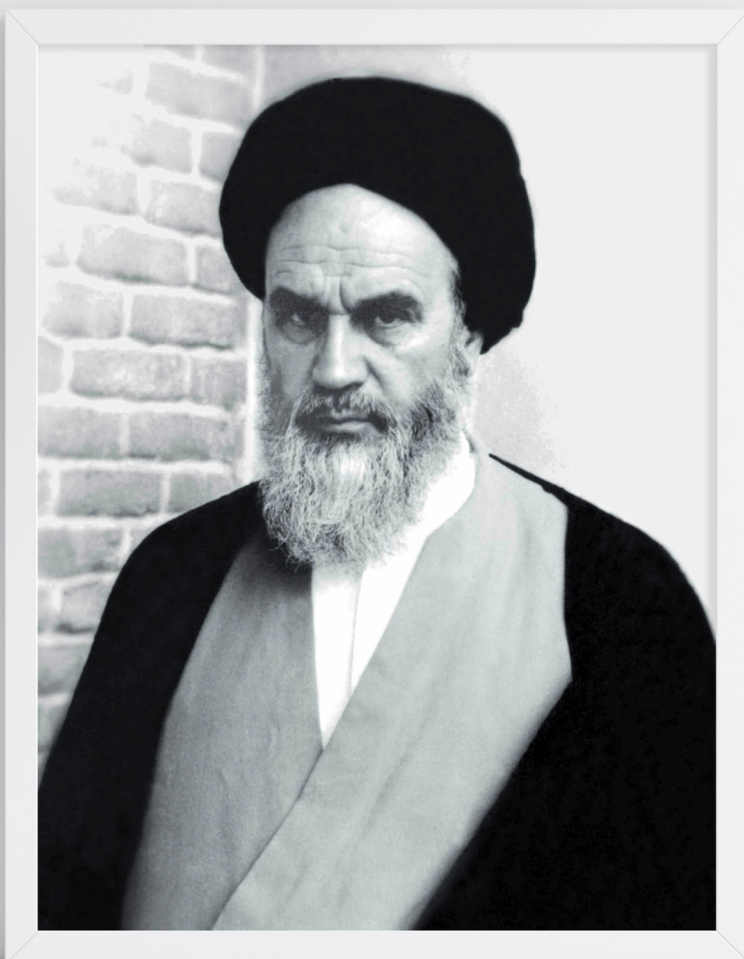
شرایط وجوب

امام مسعود

حضرت امام خمینی (رحمة الله عليه) :

- آن که کسی که می‌خواهد امر و نهی کند، بداند که آنچه شخص مکلف بجا نمی‌آورد واجب است بجا آورد و آنچه بجا می‌آورد باید ترك کند. و بر کسی که معروف و منکر را نمی‌داند واجب نیست.
- آن که احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می‌کند، پس اگر بداند اثر نمی‌کند واجب نیست.
- آن که بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند، پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی‌کند واجب نیست.
- آن که در امر و نهی مفسده‌ای نباشد، پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می‌رسد واجب نیست، بلکه اگر احتمال صحیح بدهد که از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا کند واجب نیست بلکه اگر بترسد که ضرری متوجه متعلقان او می‌شود واجب نیست، بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعضی مؤمنین، واجب نمی‌شود بلکه در بسیاری از موارد حرام است.

امر به معروف و نهی از منکر

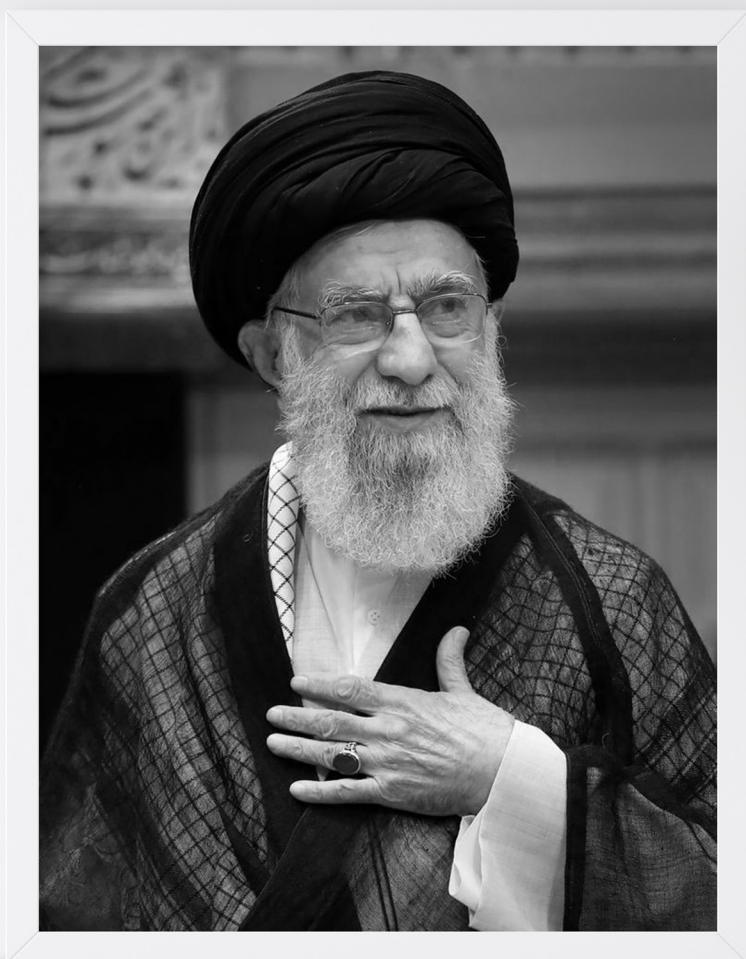


شهدا در محضر خدا هستند

قلم قاصر ما در وصف شهیدان چه تواند گفت، از شهیدان ارجمندی که خداوند تعالی در شأن آنان کلمه بزرگ **أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ** را فرموده است، بشری قاصر مثل من چه تواند گفت. آیا بار یافتن نزد خداوند و ضیافت مقام ربوبی از آنان را می توان با قلم و بیان و گفت و شنود توضیح داد؟ آیا این همان مقام فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی نیست که حدیث شریف بر سید شهیدان و سرور مظلومان منطبق نموده است؟ آیا این جنت همان است که مؤمنان در آن راه دارند، یا لطیفه الهی آن است؟ آیا این بار یافتن و ارتزاق نزد رب الارباب همان معنی بشری آن است، یا رمزی الهی و والاترو فوق برداشت بشر خاکی؟ بارالها، این چه سعادت عظیمی است که نصیب بندگان خاص خود فرمودی که ما از آن محرومیم. اکنون من به مادران و پدران مریب این بندگان خاص خدا و همسران و بازماندگان این عزیزان به جای تسلیت، تبریک عرض می کنم. **يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَافُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا...** امام خمینی، کتاب: ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی، ص ۲۳

«مقدمه»

منکر در کنار یکدیگر به کار رفته است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» همچنین تعبیراتی مانند «امر به عرف»، «امر به عدل»، «امر به قسط» و «نهی از سوء»، «نهی از فحشا»، «نهی از فساد» و «نهی از گناه» به این	به انجام ندادن آنچه به از نظر عقل یا شرع اسلام بد در نظر گرفته می شود. وجوب امر به معروف و نهی از منکر: قرآن کریم با تعبیراتی گوناگون به موضوع امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. در شماری از آیات تعبیر امر به معروف و نهی از
دو فریضه اشاره دارد. در برخی آیات، به ویژه در ضمن قصص قرآنی نیز بدون تصریح به واژه معروف یا منکر، مصادیقی از امر به معروف و نهی از منکر آمده است. محتوای این آیات بر لزوم امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی و	امر به معروف یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام آنچه از نظر عقل یا شرع اسلام خوب در نظر گرفته می شود و نهی از منکر یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران



به برکت شهیدان، حزن و خوف ما از بین می رود

عزیزان من، برادران خوب، خواهران خوب! بدانید، «امروز هم پیام شهیدان اگر به گوش ما برسد، از ما خوف را وچزن را برطرف خواهد کرد. آنهایی که دچار خوفند، آنهایی که دچار حزنند، این پیام را نمی گیرند، نمی شنوند، والا اگر صدای شهیدان را بشنویم، خوف و حزن ما هم محو خواهد شد به برکت صدای شهیدان... این حزن و خوف ما را از بین خواهد برد و بهجت و شجاعت و اقدام را برای ما به ارمغان خواهد آورد...» ۱۳۹۷/مهر/۰۴
شهید چیت سازیان، شهید ابراهیم هادی، شهید وزوایی؛ همه ی اینها شهادتی هستند که چون معرفی شده اند و چهره های شان تبیین شده، مجموعه ای از جوانها هم به اینها دل بسته اند؛ وقتی دل می بندند، راه آنها را دنبال می کنند. این درست نقطه ی مقابل آن حرکتی است که سعی می کند دلبستگی ها را به نمادهای فساد، به نمادهای دنیاطلبی، به نمادهای هرزه گرایی جلب کند؛ ببینید این، نقطه ی مقابل آن است؛ این را شما دنبال نکنید، ان شاءالله که خداوند هم کمک تان خواهد کرد... امام خامنه ای، ۱۳۹۸/آذر/۲۵

نکوهش و هلاکت امتهای پیشین بر اثر ترک این دو فریضه دلالت دارد. فقیهان برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر به بیش تر این آیات استدلال کرده اند. برخی نزول آیات قرآن را در تشریع امر به معروف و نهی از منکر دارای سیر تدریجی می دانند؛	یعنی در مرحله نخست به تشویق آن پرداخته، سپس سرنوشت شوم ترک این دو کار را یادآور شده، در مرحله بعد آن دو را واجب کرده و در نهایت عمل به آن دو را صفت لازم مؤمنان دانسته است. شماری از متکلمان و فقیهان افزون بر ادله نقلی (کتاب ، سنت ،	اجماع) برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر به دلیل عقل نیز استدلال کرده و گفته اند که امر به معروف و نهی از منکر از بارزترین راههای هدایت انسان است و از باب قاعده لطف (نزدیک ساختن بندگان به طاعت و دور ساختن آنان از معصیت از سر لطف)	انجام دادن آن بر همه لازم است. منبع: دانشنامه حوزوی-ویکی فقه امام علی علیه السلام: «و ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفثه فی بحر لجی»: تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقابل
---	---	---	--



امرونی زبانی



مقام معظم رهبری (حفظه الله) :

تأثیر امر و نهی زبانی - اگر انجام گیرد - از تأثیر مشت پولادین حکومتها بیشتر است.

من چند سال است که گفته ام امر به معروف و نهی از منکر ... تجربه کنید. منکری را که دیدید، با زبان تذکر دهید.

اصلاً لازم هم نیست زبان گزنده باشد و یا شما برای رفع آن منکر، سخنرانی بکنید. يك كلمه بگویید: آقا! خانم! برادر! این منکر است.

شما بگویید، نفر دوم بگوید، نفر سوم بگوید، نفر دهم بگوید، نفر پنجاهم بگوید؛ کی می تواند منکر را ادامه دهد؟

... بعضی گفته اند که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد. من

می گویم احتمال تأثیر همه جا قطعی است ...

«برای مردم، حرف اثر دارد...»

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر به اندازه‌ی آب دهانی در مقابل دریایی پهن‌اور بیش نیست! دو فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر که هر دو جزء فروع ده‌گانه دین مبین اسلام می‌باشند، آنچنان جایگاه والایی در شرع مقدس اسلام دارند که در حدود ۳۰ آیه از آیات قرآن کریم با الفاظ و عبارات مختلف در خصوص آن‌ها نازل گردیده است. از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر سه مرتبه دارد: (۱) مرتبه قلبی؛ (۲) مرتبه لسانی (زبانی)؛ (۳) مرتبه یدی (دستی و عملی). من یک جایی سخرانی می‌رفتم، گفتند: شما چرا این قدر از شهدا می‌گوئید؟ گفتم: از چه کسی بگویم؟ گفتند: از امام حسین (ع) بگو. گفتم: امام حسین (ع) که سیدالشهداست. ما اگر دامنه را نبینیم، به قله که نمی‌رسیم. شهدا در دامنه هستند، شهدا آینه برگردان فضایل ائمه (ع) و اهل بیت (ع) هستند. من اگر امام حسین (ع) را برای شما توضیح دهم می‌گوئید معصوم است، فرزند پیامبر (ص) است. یک مقدار احساس فاصله دارید، ولی وقتی من می‌گویم علی اکبر امام حسین (ع) رفت و امام حسین (ع) دل کند، حالا نگاه کن، پدر پنج شهید دل کند، این هم آن فضیلت نورانی ایشان در

زندگی‌اش شد، می‌گوئید که امام، معصوم است، او که معصوم نیست، پس این قابل الگوبرداری است. لذا سؤال شما سؤال زیبایی است. چرا باید به سبک زندگی شهدا تأسی و اقتدا کنیم؟ آنها حسی‌ترو دریافتی‌تر هستند، بین ما هستند، مثل ما هستند، این‌ها هم آزمون و خطا داشتند. چه شهدای عزیز داریم که قبل‌تر اقرار به گناهان کبیره هم داشته‌اند، منتها مبدأ میل شان عوض شد، بعد بر اساس تغییر مبدأ میل با توبه، زیبایی‌ها در دامنه‌ی وجودشان ساری و جاری شد... سبک زندگی شهدا از این جهت که این‌ها در عصر غیبت کبری، ترجمانی از سیره‌ی اهل بیت (ع) و سیره‌ی معصومین (ع) از فرمول‌های ناب قرآن و عترت شدند، زیباست... زندگی‌های امروزی تحت الشعاع فرهنگ منحوس غربی قرار گرفته و شبیه زندگی آنها شده است که هیچ احترامی به بزرگتر و پابندی به همسر و عشق و علاقه به والدین در بین آنها وجود ندارد. صحبت از سبک زندگی که می‌شود منظور به حوزه خانوادگی نیست، بلکه دامنه آن گسترده‌تر است و شامل روابط اجتماعی، مدنی و حقوقی می‌شود. برای اینکه بتوانیم یک سبک زندگی خوب و خدا پسند انتخاب کنیم باید یک الگوی درستی

داشته باشیم. چون همواره جامعه‌ها برای دست یابی به اهداف و ارزش‌های خود نیازمند الگوهای پویا و مؤثری در بدنه خود هستند، تا با نقشه برداری از زندگی آنها بتوانند صاحب یک سبک خوبی بشوند. یکی از الگوهای خوبی که سبک زندگی آنها الهی است و می‌تواند باعث پیشرفت شما در عرصه زندگی شود، الگو برداری از سبک زندگی شهدا است. لزوم توجه دادن جامعه به سبک زندگی شخصیت‌های تأثیرگذار جامعه یکی از مؤثرترین و بهترین راهکارها در این مسیر است. زندگی لاکچیری، ماشین آخرین سیستم، مارک لباس و مدل گوشی. کشورهای غربی می‌خواهند با ترویج این سبک زندگی، یک اختلاف طبقاتی و غرور کاذب در بین مردم ایجاد کنند و می‌خواهند این افکار را ترویج دهند که هر کسی این مدل از زندگی را نداشته باشد جزء افراد ضعیف است. و مردم هم برای اینکه از قافله جا نمانند سعی می‌کنند طبق ایده‌های آنها زندگی کنند و تمام تلاش خود را برای بدست آوردن مادیات می‌کنند و عمر ارزشمند خود را صرف یک بازی پوچ می‌کنند. اما مدل دیگری از افراد بودند که در بین ما زندگی می‌کردند اما تحت تاثیر افکار دیگران قرار نمی‌گرفتند و زندگی

ساده ای داشتند اما بسیار محبوب بودند و ماندگار شدند. هرکسی می‌تواند مسیر خودش را همانگونه که دوست دارد انتخاب کند و هیچ اجبار و تحمیلی در کار نیست. اما دشمن با برنامه ریزی دقیق در پی تغییر دادن افکار مردم است و دوست دارد که دیدگاه خودش را حاکم در سبک زندگی دیگران کند. کشورهای دیگر بخاطر نداشتن الگوهای درست، زود تحت تاثیر قرار می‌گیرند و فرهنگ منحوس را می‌پذیرند. اما در کشور ما بخاطر وجود شهدا، کار سختی در پیش دارند چون زندگی شهدا یک سبک خاصی را در پیش روی مردم قرار داده و هرکسی این سبک را انتخاب کند در دنیا و آخرت بهره‌های بسیاری می‌برد. با حول وقوه الهی، باتوسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل‌های معطر و تهیه خوش‌بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک امام زمان (عج) و با رمزی زهرا (س) نوشتن کتاب کتاب امر به معروف و نهی از منکر در سیره شهدا را شروع می‌کنیم، تا انشاءالله مورد رضایت و خشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد...

ارادتمند: ناصر کاوه



« امر به معروف و نہی از منکر، در سیرہ شہدا



تونی بمونی و نگاہ کنی... رہبرم... جان من و ہزاران چون من فدای غربتت. آقا جان! من و ہزاران من در برابر درد ہای شما ساکت نمی شینیم و اگر بارہا شاہرگ مان را بزنند و هیچ ارگانی خرج مداوای مان را ندهد باز ہم نمی گذاریم رگ غیرت و ایمان در کوچہ ہای شہرمان بخشکد... بشکست اگر دل من بہ فدای چشم مستت ... سر خَم می سلامت شکند اگر سبویی قسمتی از متن نامہ ی شہید امر بہ معروف و علی خلیلی قبل از شہادتش، خطاب بہ امام خامنہ ای

امر بہ معروف کنید

کوشش کنید کہ زیر پرچم اسلام بروید. ہر مقداری کہ می شود خودتان و ہر کس را کہ با آن آشنا ہستید، ہر مجلسی کہ پیدا می شود، و ببینید کہ یک کسی از این پوشش اسلامی می خواہد یک قدری کنار برود دعوتش کنید. امر بہ معروف و نہی از منکر از اموری است کہ بر ہمہ کس واجب است. یک چیزی نیست کہ بریکی واجب باشد بر دیگری [نہ]. ہمہ ما مکلفیم همان طور کہ مکلفیم کہ خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمت بہ نور، مکلف ہستیم کہ دیگران را ہم ہمین طور دعوت کنیم. ہر مقدار کہ می توانیم. شما نباید بگویید کہ خوب، من کہ خطیب نیستم، من کہ اہل منبر نیستم، من کہ اہل محراب نیستم. شما اہل این ہستید کہ در خانوادہتان با آن پسران و با آن دختران و با آن عیالتان، با آن کسی کہ رفیق شما ہست، می توانید کہ حرف را بزنید. ہمین مقدار شما مکلفید. اگر انسان دید معصیت خدا می شود، باید جلوییش را بگیرد. نگذارد معصیت خدا بشود. صحیفہ نور امام خمینی

شہید امر بہ معروف

سال ۹۰ محله تہرانپارس آخر شب چند نفر سربیک نفر ریختند و بہ خاطر تذکرش برای عدم مزاحمت برای دختر جوان شاہرگش را زدند و تا دو سال بعد کہ از معبر ہمین حنجر خونین و نای سوختہ پر باز کند و پرواز... علی خلیلی ہم شہید امر بہ معروف بود... حتما کہ نباید چنگ نظامی باشد... کاری کہ اگر ترک شود اشرار را مسلط مان می کند... با اون صدای گرفته و با نمکش در حالی کہ می خندید گفت: می دونستم دست بہ چاقو می برن ولی نمی شد بایستم و نگاہ کنم کہ یک زن رو بہ زور دارن سوار ماشین می کنن... کہ اگہ مرد باشی، لحظہ ای بہ تو می گذرہ کہ نمی



امام باقر (علیه السلام) می فرمایند:

در آخر الزمان، مردم ریاکاری پیدا می شوند که دائماً آیه قرآن و دعا می خوانند «وَيَتَنَسَّكُونَ» اظهار مقدس مآبی می کنند «حُدَّثَاءُ سُفَهَاءُ» یک مردم تازه به دوران رسیده احمقی هم هستند. تنها چیزی که این مقدس مآبها به آن اعتنا ندارند، امر به معروف و نهی از منکر است. «لَا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيًا عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا إِذَا امْنُوا الضَّرَرَ» اینها تا مطمئن نشوند که امر به معروف و نهی از منکر کوچکترین ضرری به ایشان نمی زند، به آن تن نمی دهند. «يَطْلُبُونَ لِأَنْفُسِهِمُ الرُّخْصَ وَالْمَعَاذِيرَ» دائم دنبال این هستند که یک راه فراری برای امر به معروف و نهی از منکر پیدا کنند، یک عذری بتراشند که خوب، دیگر نمی شود، دیگر ممکن نیست. «يُقْبَلُونَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ وَمَا لَا يُكَلِّفُهُمْ فِي نَفْسٍ وَلَا مَالٍ» دنبال آن عبادتهایی هستند که نه به جان، نه به مال و نه به حیثیتشان ضرر می زند (مثل نماز و روزه) اما اگر وظیفه ای ضرری به جایی می زند، دیگر آن را قبول ندارند. تا آنجا که می فرماید اگر نماز هم به کار یا حیثیت یا جانشان ضرر می زد، آن را رها می کردند: «كَمَا رَفَضُوا اسْمَى الْفَرَائِضِ وَاشْرَفَهَا» همان طور که عالیتین و شریفترین فریضه ها را رها کردند، نماز را هم رها می کردند. آن عالیتین و شریفترین فریضه ها کدام است؟ «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ» [امر به معروف و نهی از منکر] فریضه بزرگی است که سایر فرایض به وسیله آن بپا می شود.

شهادت آیت الله مرتضی مطهری



...می خواستیم دوستانم را به خانه شان در خاک سفید برسانم که دیدیم پنج، شش نفر در حال اذیت دو خانم هستند و به زور می خواستند وی را سوار ماشین کنند. من به آن افراد تذکر دادم و گلاویز شدیم و یکباره چاقویی که نمی دانم از کدام سو نثار ما شد. چاقو به ناحیه گردنم و شاهرگ خورده بود، من همان جا افتادم و آن افراد نیز فرار کردند و... قسمتی از مصاحبه فارس با شهید خلیلی

✦ جلوگیری از انحراف

شنیده بود که گروهک های منحرف، نشریاتی رو با تیراژ پایین چاپ کرده و جلو دانشگاه تهران بین دانشجویان پخش می کنن. اون موقع ما کرج زندگی می کردیم. محمد حسین با اینکه نوجوان بود، خودش رو از کرج می رسوند جلو دانشگاه تهران و با پول هایی که جمع کرده بود، در حد توانش نشریه می خرید و پاره می کرد تا از انحراف دانشجویها جلوگیری کنه....

راوی: پدر شهید محمد حسین فهمیده



✦ نهی از منکر

اهل امر به معروف و نهی از منکر بود. بهش می گفتم: بابا این از تو بزرگتره، یه نگاه به هیكلش بنداز، هوس کتک کردی؟!... این حرف ها براش معناش نداشت و می گفت: کسی که امنیت نوامیس جامعه رو به خطر می اندازه باید نهی از منکر بشه...

برشی از زندگی شهید غلام کبیری، منبع: ماهنامه امتداد





✦ وظیفه اصلی

توی ساختمون سپاه چند تا برادر پاسدار دیدم. حاج علی هم داشت براشون حرف می زد. می گفت: بچه ها! وظیفه ما فقط جبهه رفتن نیست، وظیفه اصلی ما امر به معروف و نهی از منکر کردنه. وقتی میایم مرخصی نباید بنشینیم توی خونه و وضع شهر این باشه. بیاید بریم توی شهر و امر به معروف کنیم. از اون روز به بعد بچه ها مرخصی که می یومند توی سطح شهر امر به معروف و نهی از منکر می کردند...

برشی از زندگی شهید علی قوچانی
منبع: کتاب سیره دریا دلان ۲

✦ عملت را اصلاح کن

آن موقع شهید بابایی، فرمانده پایگاه هوایی اصفهان بود. در دوران حکومت شاه، یک روز بعد از ظهر در حالیکه مست و لایعقل به طرف خانه میرفتم، ناگهان بابایی را مقابل خودم دیدم. پیش خودم گفتم کارم تمام است. وقتی به من رسید، نگاه مهربانانه و معناداری به من کرد، ولی حرفی نزد. فردای آن روز رفتم پیش او تا عذرخواهی کنم، اما شهید کلام مرا قطع کرد، و گفت: برادر عزیز، چیزی نگو! راجع به کاری که کرده ای، حرفی زن، اگر حقیقتاً از کرده خود پشیمان هستی، با خداوند عهد کن عملت را اصلاح کنی.... خدا میداند از پیش او که آمدم، احساس میکردم از نو متولد شدم...

راوی: یکی از همزمان شهید دلاور عباس بابایی

✦ پسر همسایه

روی دستش قیر ریخته بود؛ حسابی هم سوخته بود. ناراحت پرسیدم: چی شده پسر؟! ... گفت: کار پسر همسایه است. عصبانی رفتم سراغش. تند آمد دنبال من. گفت: سوخته که سوخته؛ باهاش دعوا نکنی ها. خود پسر شرمند شده بود. چند بار اومده بود عذرخواهی...

شهید ناصر قاسمی - منبع: کتاب گمنام مثل من



✦ برخورد صحیح

رفتیم ترمینال و سوار اتوبوس شدیم. در شروع حرکت راننده ضبط را روشن کرد. آنچه که پخش می شد آهنگ مبتذل بود. منتظر عکس العمل سید بودم. سید از جای خود بلند شد و با نرمی و لطافت گفت: اگر نمی خواهی مادرم حضرت زهرا (س) از تو راضی باشد، به گوش دادن نوار ادامه بده. اصلاً فکر نمی کردم سید چنین حرف سنگینی به راننده بزند. حرف سید چنان در راننده اثر کرد که ضبط را بدون هیچ حرف و شکایتی خاموش کرد. در ادامه سفر راننده با سید دوست شده بود...

شهید سید مجتبی علمداری



جر
مو
بکم
اس
غاف
راب
بر
هی
واژ
نی
واج
جا
صا



آیت الله جوادی آملی

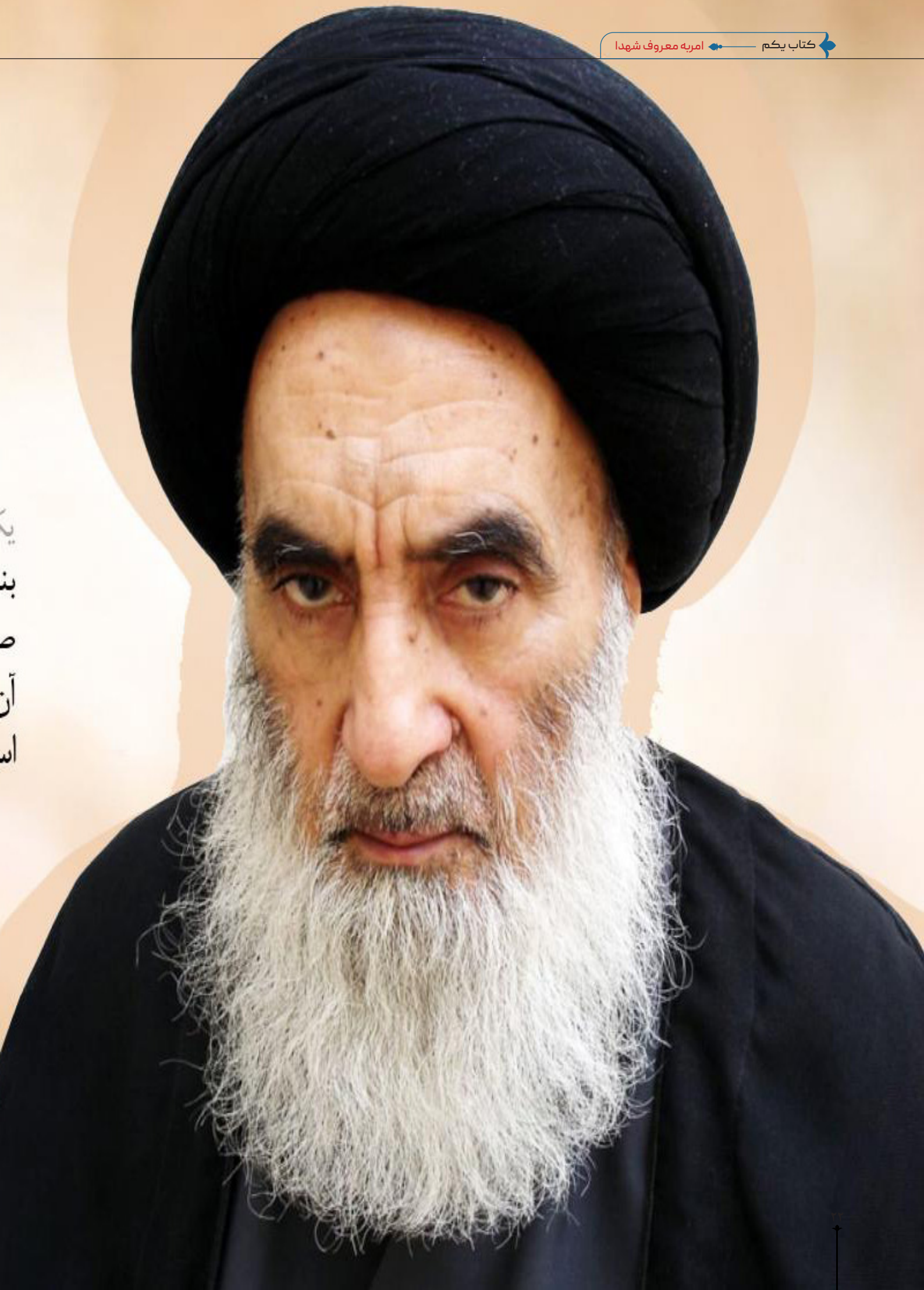
پایان امر به معروف و نهی از منکر غیر از تعلیم است، غیر از تبلیغ است، غیر از ارشاد است، غیر از عظه و نصیحت و پندها و اندرزهاست. امر به معروف فرمان است نهی از منکر هم فرمان است نهی و نکر، اگر جامعه‌ای مطلبی را نمی‌داند فرد یا گروهی از مطلب بی‌خبر است تعلیم آنها واجب است و این تعلیم از سنخ امر به معروف و نهی از منکر نیست. اگر فرد یا گروهی جاهل نیست لکن فل است یا ساهی است یا ناسی است یا مضطر و مجبور و ملجأ و مانند آن است باید آن عذرهای طرف کرد. باید غافل را متنبه کرد، ناسی را متذکر کرد، ساهی را متذکر کرد، اضطرار مضطر را طرف نمود، الجاء ملجی را بر طرف نمود، جبر مجبور را بر طرف نمود تا مشکلات آنها حل بشود چه کدام اینها از سنخ امر به معروف یا نهی از منکر نیستند. ممکن است گاهی با عنایت و مجاز باشد امر به معروف و نهی از منکر را در این امور کسی به کار ببرد ولی هیچ کدام از اینها امر به معروف نیستند... امر به معروف و نهی از منکر در جایی است که کسی عالماً عامداً با اینکه می‌داند فلان کار حرام است ترک می‌کند عالماً عامداً با اینکه می‌داند فلان کار حرام است انجام می‌دهد در چنین بی‌سخن از امر به معروف و نهی از منکر فرد و امت اسلامی است که فرد یا جامعه باید فرمان را در کند طوری که این معروف عمل بشود و آن منکر ترک بشود



حاج حمید تاکید می کردند مبارزه سخت افزاری کار ماست و نرم افزاری با شما، کار فرهنگی کنید و شیعه واقعی را به کشور و کشورهای اطراف معرفی کنید. از آن به عنوان فرهنگ عاشورایی یاد می کرد. اگر کار فرهنگی انجام شود، سربازش هم پیدا می شود... حاج حمید وقتی از سهم الارث پدرشان خانه پدری در روستا را گرفتند، آنجا را ساختند تا محلی برای استفاده فرهنگی مردم باشد و کتابخانه‌ای در آنجا افتتاح شد... سال ۶۲ پدرشان از دنیا رفتند و شروع کردند به گرفتن روزه‌های قضا شده پدرشان؛ سال ۶۴ هم برادرشان شهید شدند و چند وقت هم به نیت ایشان روزه گرفت. بعد از آن هم روزه گرفتن را ادامه داد و می گفت که حالم با روزه خوب است و همین روند، سی سال ادامه پیدا کرد... هنگامی که مسئولیتی بر عهده داشت، در استفاده از امکانات بیت المال به حداقل اکتفا می کرد و با آن که از سرداران سپاه بود، اما از ماشین دولتی و راننده شخصی استفاده نمی کرد و با این که یک بار هم مورد سوء قصد قرار گرفته بود، اما حاضر نشد از محافظ شخصی استفاده کند و معمولاً با موتور سیکلت یا وسایل نقلیه عمومی رفت و آمد می کرد...

برشی از زندگی مدافع حرم، شهید حاج سید حمید تقوی فر، راوی: همسر شهید





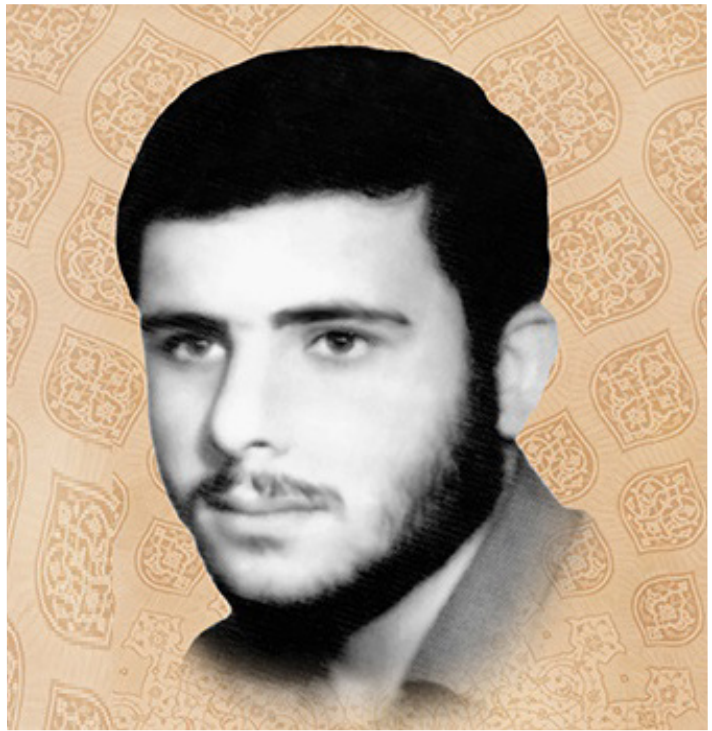
آیت اللہ سیستانی

کی از شرایط وجوب امر به معروف و نہی از منکر احتمال تأثیر در شخص خلافکار است.
 باین اگر کسی می داند که سخن و گفته او اثر ندارد، مشهور بین فقہاء آن است کہ در این
 صورت وظیفہ ندارد، و امر به معروف و نہی از منکر بر او واجب نیست، ولی احتیاط واجب
 است کہ کراہت و ناراحتی خود را از کارهای ناشایسته خلافکار به هر طوری کہ ممکن
 است اظہار نماید، هر چند بداند کہ در او اثر نخواهد داشت.

خیلی زیبا

خسته از سرکار برگشته بودیم که سید جواد گفت: بابا... دیگه کار ساختمون تموم شده، اگه اجازه بدین می خوام برگردم جبهه. گفتم: پسر... تو به اندازه خودت خدمت کردی، بذار اونایی برن جبهه که نرفتند. سید جواد ساکت شد... وقت اذان جانمازم رو باز کردم تا نماز بخونم. اما پسر اومد، جانمازم رو جمع کرد و گفت: این همه بی نماز هست، اجازه بدین کمی هم بی نمازها نماز بخوانند... دیگه حرفی برا گفتن نداشتم. خیلی زیبا سنجیده جواب حرفم رو داد...

برشی از زندگی شهید سید حواد موسوی
منبع: کتاب بر خوشه خاطرات



شیرین زبونی

با داداشش رفته بود خونه ی همسایه. رادیو روشن بود و صدای ترانه اش بلند. محمود رفت رادیو رو خاموش کنه، اما قدش نرسید با همون شیرین زبونی کودکانه به همسایه گفت: فاطمه خانم! می خواهید خدا شما رو جهنمی کنه؟ همسایه پرسید: برا چی جهنمی کنه؟... محمود گفت: چون ترانه رو خاموش نمی کنین...

برشی از کودکی شهید محمود رضا وطن خواه - منبع: کتاب سیره دریا دلان ج ۲



شهید مجتبی قطبی

برای شرکت در مراسم عروسی یکی از آشنایان رفته بود تهران. مراسم با بزن و بکوب همراه بود. مجتبی بچه های کوچک اقوام رو جمع کرد توی یه اتاق و درب رو بست. بعد با زبان کودکانه بهشون احکام آموزش داد. بچه های فامیل هم در عروسی دورش حلقه زده بودند و به سخنانش گوش می کردند...

برشی از زندگی شهید مجتبی قطبی
منبع: کتاب همسفر تا بهشت ۱

منتظر نمی موند

تاوقت نماز می شد خودش رو به نزدیکترین مسجد می رسوند. اگه توی راه میدید دو سه تا جوان دور هم ایستاده اند، می رفت بین شون، چند لحظه بعد می دیدم اون جوونا رو که شاهد اهل نماز نبودند و قیافه شون هم به بچه مسجدی نمی خورد، با خودش به مسجد آورده. ایام نوجوانی منصور در محله مون چندتا مشروب فروشی وجود داشت آنوقت هم منصور می چرخید بین نوجوانان و اونا رو می آورد مسجد. منتظر نمی شد تا آنها مسجدی بشن، می رفت و مسجدی شون می کرد...

برشی از زندگی شهید منصور



شهید محمد محمدی

در محله تهرانپارس تهران عده‌ای از ارازل و اوباش به بهانه پارک خودرو شروع به فحاشی و عربده‌کشی می‌کنند. آنها برای گرفتن نان به نانوائی آمده و بعد بر سر جای پارک با یک خانمی درگیر می‌شوند و شروع به ایجاد رعب و وحشت در محل می‌کنند. محمدی هم برای اینکه فضا را آرام کند و این افراد فحاشی و درگیری را تمام کنند، به آنها تذکر می‌دهد که محل را ترک کنند، اما این ارازل و اوباش با وی درگیر شده و یکی از آنها یا چاقو به پهلوی و قلب محمدضربه وارد می‌کند و او زخمی می‌شود. در خانه بودم که به یکباره با صدای وحشتناک کوبیدن در به خودم آمدم. رفتم سمت در، دیدم بچه‌ها هراسان و مضطربند. گفتم چه شده که در را این طور می‌زنید؟ امیررضا پسر کوچکم از شدت وحشت زبانش بند آمده و تمام صورتش پر از اشک شده بود و گریه می‌کرد. احمدرضا گفت مامان، بابا را با چاقو زدند. سراسیمه خودم را بالای سر محمد رساندم. محمد غرق خون، کف خیابان افتاده بود. از پهلویش مثل چشمه خون می‌جوشید. به سختی تکلم می‌کرد و می‌گفت دارم می‌سوزم. تشنه‌ام، آب بدهید. هرطور بود محمد را به بیمارستان رساندیم. کمتر از دو ساعت بعد به شهادت رسید. با موافقت خانواده شهید محمدی، اعضای بدن او به چند بیمار نیازمند اهدا شد... راوی: همسر شهید محمدی

مهم ترین اعتقاداتش



از مهم ترین اعتقاداتش امر به معروف و نهی از منکر بود. تا حدی که به همراه شهید امر به معروف، شهید توفیقیان، چندین بار در این راه مجروح شده بود. در کار خیلی جدی بود، اما در رفتار و اخلاق اجتماعی بسیار خونگرم، مهربان و خیلی باگذشت بود... مرتضی به لحاظ فعالیت‌هایی که در پایگاه بسیج و کانون‌های فرهنگی انجام دادند جوان نمونه سال کشور انتخاب شده بود. مرتضی به عنوان مدافع حرم و مستشار نظامی در سوریه یک افسر ارشد متخصص و منحصر به فرد در زمینه خود در سطح کشور بودند، حاجی خودش را فدای آسودگی ناموس ما در ایران کرد. زمانی که در داخل کشور بودند نیز به عنوان یک معلم و تحلیل‌گر امور سیاسی و سخنران حلقه‌های سیاسی در پایگاه‌های بسیج حضور داشتند. برشی از زندگی شهید مدافع حرم، مرتضی مسیب زاده

آیت الله سبحانی

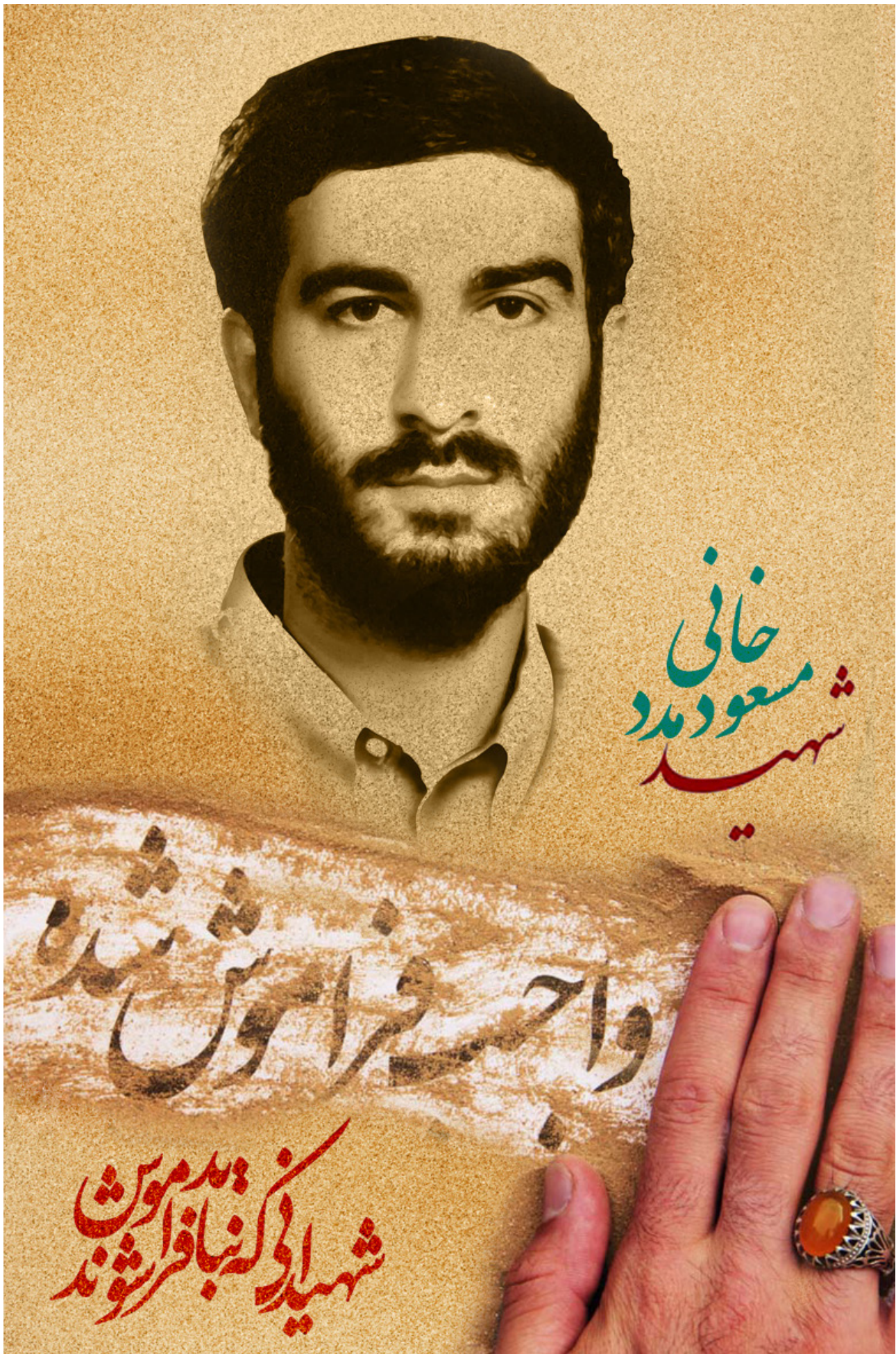
به گسترش دایره امر به معروف و نهی از منکر در سراسر دنیا اشاره کردند و گفتند: جهان مانند یک دهکده است که به وسیله اینترنت به هم وصل است، لذا اسلام می تواند این فریضه را به وسیله اینترنت به سراسر جهان گسترش دهد.



جانبا ز شهید مسعود مددخانی ...

مسعود سال ۷۴ با گروهی از دوستانش مأموریت داشت... مأموریت از ستاد احیای امر به معروف... روی پاساژ در حال ساختی، با قاچاقچی های مواد مخدر درگیر شدند و در اثر ضربه ای که با میله به او زدند، از ارتفاع ۱۶ متری سقوط کرد... کسانی که آن صحنه را دیدند، می گفتند: مسعود دیگر مُرد! ... اما نه؟... خدا می خواست علاوه بر توفیق شهادت توفیق جانبا زی را هم نصیبش کند... حیف بود که مسعود به این زودی شهید شود... از آن روز شد جانبا ز ضایعات نخاعی... سال ۷۸ با بانویی آسمانی، بخوانید فرشته، بخوانید پروانه ی برگرد شمع... ازدواج کرد. هنوز چند ماهی از ازدواج شان نگذشته بود که برای دفاع از انقلاب و اسلام، در درگیری های خیابانی فتنه ۷۸، دوباره جانبا ز شد... ضربه کار خودش را کرد... پلاتین هایی که از مجروحیت قبلی در ستون فقراتش جا خوش کرده بودند، شکستند... تازه عروس اما، به قدری عاشقش بود که این اتفاق هیچ تاثیری بر زندگی آسمانی شان نگذاشت روز به روز به هم وابسته تر می شدند، به همدیگر... همسر را عاشقانه دوست داشتم؛ او فردی مؤمن، خوش اخلاق و صبور بود. در طول ۱۵ سال زندگی مشترک ۵ بار مورد عمل جراحی ناحیه ستون فقرات قرار گرفت حتی عمل پیوند مهره روی وی انجام شد و به دلیل عوارض ناشی از این عمل ها و ایجاد مشکلات بعدی، یک سال درد و رنج بسیاری را تحمل کرد و در نهایت به آرزویش که شهادت بود، رسید... در طول این دوران ما صاحب فرزندی نشدیم و یک سری شرایط و مشکلاتی وجود داشت که حتی در این زمان کوتاه فرصت پیگیری این مسئله را نداشتیم... خیلی همدیگر را دوست داشتیم؛ در طول این سال ها خودم کنارش بودم همه خانواده را فدای مسعود کردم پدر، مادر، برادر و فامیل. اگر برای خرید و کارهای دیگر بیرون از منزل می رفتم، دقایقی بعد با من تماس می گرفت و می گفت: «زود برگرد» او تحمل تنهایی را نداشت؛ اقوام و دوستان هم کمتر به او سر می زدند. از نظر جسمی هم او قطع نخاع بود و وضعیت خاصی داشت؛ لحظه های با وی بودن برایم زیبا بود و هیچ وقت حاضر نشدم او را به آسایشگاه ببرم. همسر به دلیل عوارض عمل ها، تحرک کمتری داشت و بیشتر در بستر و حالت خوابیده بود. علاقه زیادی به نوشتن داشت اما با این شرایط جسمی نمی توانست آنچه می خواهد را بنویسد گاهی که مطلب ادبی به ذهنش خطور می کرد مرا صدا می زد تا آن را برایش بنویسم. شهید مددخانی از نوجوانی وارد بسیج مسجد المهدی شد؛ در ۱۴ سالگی هم در عملیات «والفجر هشت» حضور داشت و در صدی هم شیمیایی شده بود. او به دلیل عوارض ناشی از موج گرفتگی در جبهه، گاهی اوقات عصبانی می شد اما خیلی صبور بود و سکوت می کرد. من و مسعود وابستگی به این دنیا نداشتیم؛ زندگی ساده ای داشتیم؛ اهل تجملات نبودیم و با کمبود درآمد راحت زندگی کردیم؛ با اینکه خودش الگوی صبر برای من بود به من می گفت: «خیلی صبور هستی». او در برابر درد خیلی صبور بود و اصلاً شکایت نکرد هیچ وقت از وضعیت جسمی اش گله نکرد و می گفت «خدایا شکر. تو کلم به خودت است». یک وقت هایی به من می گفت: «خسته شدی؟» می گفتم: «دشمن ما خسته است» و ادامه می دادم: «الله اکبر؛ جانم فدای رهبر». او حضرت آقا خامنه ای را خیلی دوست داشت و هر وقت می خواست درباره ایشان حرفی بزند و ابراز علاقه کند، می گفت: «فدای سید علی». با اینکه از نشستن بدش می آمد اما سال ها خانه نشین شده بود. مشکلات متعددی داشت اما هیچ وقت به زبان نیاورد و روال عادی زندگی را داشت. سال ۸۸ هم، برای دفاع از ولایت به میدان آمد... و دوباره ضربه خورد و دوباره، جانبا ز شد... عشقش در این دنیا، آقایش بود... حضرت سید علی... آرام خانه نشینی و از صبح تا شب در بستر ماندن را، عکس های آقا التیام می داد... همیشه نگاهش به نگاه آقا بود... این اواخر دیگر به تمام معنا زمین گیر شده بود... مخارج سنگین بیمارستان، باعث شد خانه را بر بیمارستان ترجیح دهد... ۳ فروردین، شرایط به قدری وخیم شد که دیگر نمی توانست در خانه بماند... با خانه وداع کرد... خانه ای استیجاری که سالها مأوای او و خانواده اش بود به همسرش گفت: میروم و دیگر بر نمی گردم... مسعود رفت... و پر کشید... همیشه می گفت: چرا بچه ها سکوت کردن؟... چرا هیچی نمیگن؟ کجان پس؟... این همه آدم میان تشییع پیکر شهدای گمنام... اونوقت موقع عمل، همه ساکتن؟... چرا در برابر این همه فساد، این همه بی حجابی، این همه بی عدالتی... هیچی نمیگن؟!... می گفت: فقط نذارید خون شهدا پایمال بشه... خودش هر وقت بیرون می رفت تذکر می داد مهربان و نرم... همیشه هم تاثیر داشت...

راوی: همسر شهید مسعود مددی



آ
یکی
نباید





بیت الله مکارم شیرازی

از شرایط استجابت دعا را احیای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه دانست و گفت:
ز کنار صحنه‌های منکرات بی تفاوت عبور کرد، این کار موجب مستجاب نشدن دعا می‌شود.

✦ شهید علی محمود وند

علی چهار، پنج ساله بود. رفته بودیم تولد یکی از اقوام زن و مرد قاطی بودند. خیلی عصبانی شد. اخم هایش را کرده بود توی هم و یک گوشه نشسته بود. به خانه که برگشتیم، رفت توی اتاق و در را پشت سرش محکم کوبید. گفت "من دیگر مهمانی نمی آیم..."

"به همه نشان داده بود از این چیزها خوشش نمی آید. اسمش را گذاشته بودند امام فامیل..."

کتاب یادگاران، جلد ۳۰



✦ شهید مدافع حرم، احمد مکیان

مدتی بود که عضو یکی از هیئت های عزاداری شده بودیم. با بچه های آنجا هم رفیق بودیم. اما هیئت مشکلاتی داشت. تا چند ساعت بعد از نیمه شب عزاداری می کردند که نماز صبح مان هم از دست می رفت. مداح هیأت هم با ولی فقیه مشکل داشت. روزی یکی از دوستان درباره قالب هیئت تذکراتی به ما داد و گفت که اشتباه عمل می کنید. برای ما انتقال آن مطالب به مسئولین هیئت سخت بود؛ اما برای احمد نه. شروع کرد به تذکر اشتباهات. وقتی دید گوش به حرف نیستند، دور همه شان را خط کشید و با آنها قطع ارتباط کرد... شهید احمد مکیان



✦ سیره شهید محمد ابراهیم همت

سرلشکر ناجی فرمانده پادگان بود. وقتی فهمید که سیصد نفر از بچه ها سحری خورده اند که روزه بگیرند، کفری شده بود. صبح همه را در حیاط پادگان جمع کرد و دستور داد همه آب بخورند. می خواست روزه همه را بشکند. ابراهیم آرام و قرار نداشت. می دانست که ناجی آن شب برای اینکه مطمئن شود که پخت و پزی صورت نمی گیرد، حتما به آشپزخانه سرکشی می کند. دستور داد کف آشپزخانه را شستند و سپس روغن ریختند. ناجی آمد. موقع برگشت پایش لیز خورد و چنان زمین خورد که پایش شسکت و تا پایان ماه رمضان در بیمارستان بستری بود و همه سربازها یک ماه رمضان بدون ناجی را تجربه کردند... راوی: پدر شهید همت

✦ نہی از منکر به روش شهید عبد اللہ میثمی

عبد اللہ باز ہم انگشترش را بخشیده بود. گفتم: این بار به چه کسی بخشیدی؟ گفت: جوانی انگشتر طلا دستش بود و از حرام بودنش اطلاعی نداشت. انگشترش را از دستش در آوردم و انگشتر خودم را به دستش کردم ... ه ساله بود و جلوی مسجد جامع اصفهان مشغول وضو گرفتن. روحانی سیدی هم کنارش منتظر ایستاده بود تا با هم به مسجد بروند. دو زن بدون حجاب از درشکه پیاده شدند و به سمت عبد اللہ آمدند. گفتند: بلدی از ما عکس بگیری. گفت: عکس که بلدم. اما تا روسری سر نکنید نمی گیرم. آن دو زن نگاه متنفرانه ای انداخته و از آن دو دور شدند... منبع: کتاب تنها ۳۰ ماه دیگر



✦ کمک به مظلوم

محمد رضا همراه دوستانش راهی نانوایی بود. جلیو نانوایی که می رسند می بینند چند نفر از ارادل و اوباش به نانوایی محله حمله کرده اند و دارند شاطر را کتک می زنند تا دخلش را خالی کنند. محمد رضا با آنکه در آن زمان ۱۴ سال بیشتر نداشت، سریع خودش را وارد معرکه کرده و به دفاع از نانوای زخمی به گردن او زد که وقتی بردیمش بیمارستان ۱۸ بخیه خورد...
راوی: یکی از دوستان شهید - خاطره ای زندگی مدافع حرم شهید محمد رضا دهقان



✦ امر به معروف و نہی از منکر، شهید مطهری

مرتضی تازه هجده سالش شده بود. البته معمم هم بود. رفته بود فریمان دیداری تازه کند. در همان ایام در کلات حاجی رستم استوار یک پاسگاه مسئله ناموسی ایجاد کرده بود. عده ای داشتند می رفتند تا تذکرش دهند. مرتضی هم با آنها همراه شد. استوار با شنیدن حرف بزرگ تر جمع گفت: چه غلط... هنوز حرفش تمام نشده بود که مرتضی با یک سیلی ابدار دهان استوار را بست...



خاطره ای زندگی شهید مرتضی مطهری
منبع: کتاب مرتضی مطهری

آیت الله جاودان

تأثیری که امر به معروف و نهی از منکر در ساختمان شخصیت آدمی می‌گذارد، در حد یک است. ریاضتی که یک مرتاض می‌کشد یا یک اهل سلوک برای اصلاح خودش انجام این کار روی دست همه آنها است. خیلی فوق العاده است.



معجزہ
می دہد،



شهید ناصر ابدام، نخستین شهید امر به معروف

شهید ناصر (عبّاس) ابدام در پانزده سالگی در راه نماز جمعه و در حال انجام فریضه نهی از منکر در پارک لاله تهران و در دفاع از نوامیس مردم به شهادت می‌رسد. یکی از اوباش از جورابش قداره درآورده و بلافاصله در قلب شهید فرو می‌کند. قداره را هفت بار در بدن فرو برده و در می‌آورد و هر بار بخشی از اعضای بدن شهید خارج می‌شود. به این ترتیب با بدن پاره پاره و لبان تشنه به شهادت می‌رسد. در همان آغازین روزهای پس از شهادت، پدر شهید به همراه آیت‌الله جنتی به دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌روند. در این دیدار آقا برای اولین بار از شهید ابدام به عنوان نخستین شهید امر به معروف و نهی از منکر کشور یاد می‌نمایند. از جمله ویژگی‌های ممتاز شهید ابدام می‌توان به پایبندی تمام و کمال به امر به معروف و نهی از منکر، دفاع جانانه و تمام قد از مظلومان و سلی خوردگان، رسیدگی‌های شهید به فقرا و محرومان و از کار افتادگان و غیرت شدید روی حجاب و عفاف اشاره نمود. فقط در عزای امام حسین گریه می‌کرد مادر شهید از همان ابتدا فرزندانش را به مسجد می‌برد و آن‌ها را پای روضه امام حسین (ع) بزرگ می‌کرد. به این ترتیب همگی حسینی سرشته شده و رشد و تربیت یافتند. عباس در نوجوانی پای ثابت مسجد و بسیج و هیئت بود. شهید فقط در عزای امام حسین (ع) گریه می‌کرد و آنچنان هم می‌گریست که تمام حاضران در هیئت و حسینه تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و زار زار گریه می‌کردند. غیر از آن هرگز گریه نمی‌کرد... برشی از زندگی شهید امر به معروف، ناصر ابدام

مأمورین رسمی باید از آمو و ناهی شرعی دفاع کنند

به من نامه می‌نویسند؛ بعضی هم تلفن می‌کنند و می‌گویند:

«مانهی از منکر می‌کنیم. اما مأمورین رسمی، طرف ما را نمی‌گیرند. طرف مقابل را می‌گیرند!»

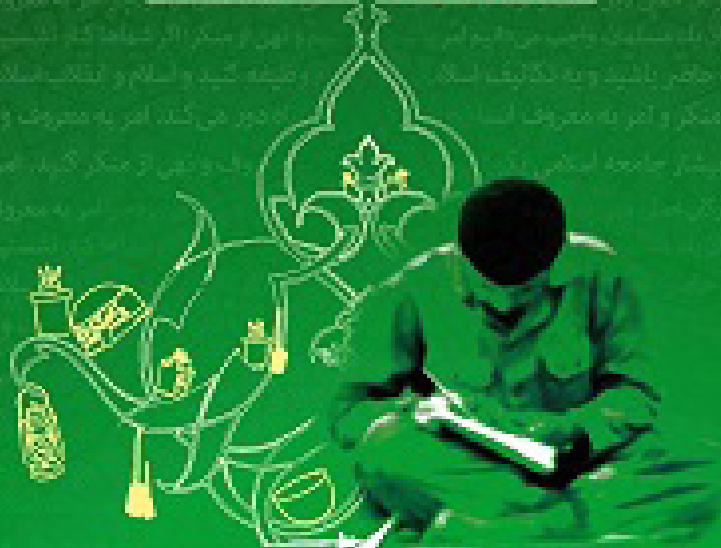
من عرض می‌کنم که مأمورین رسمی - چه مأمورین انتظامی و چه مأمورین قضایی - حق ندارند از مجرم دفاع کنند. باید از آمو و ناهی شرعی دفاع کنند. همه دستگاه حکومت ماباید از امر به معروف و ناهی از منکر دفاع کند. این، وظیفه است. اگر کسی نماز بخواند و کس دیگری به نمازگزار حمله کند، دستگاه‌های ما از کدامیک باید دفاع کنند؟ از نمازگزار یا از آن کسی که سجاده را از زیر پای نمازگزار می‌کشد؟ امر به معروف و نهی از منکر نیز همین‌طور است. امر به معروف هم مثل نماز، واجب است. در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «و ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفثة فی بحر لّجی.» یعنی امر به معروف و نهی از منکر، در مقیاس وسیع و عمومی خود، حتی از جهاد بالاتر است؛ چون پایه دین را محکم می‌کند. اساس جهاد را امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌کند. مگر مأمورین و مسؤولین ما می‌توانند امر به معروف و ناهی از منکر را بادیگران مساوی قرار دهند؛ چه رسد به این که نقطه مقابل او را تأیید کنند؟!

البته جوان حزب‌اللهی هم باید باهوش باشد. باید چشم‌هایش را باز کند و نگذارد کسی در صفوف او رخنه کند و به نام امر به معروف و نهی از منکر، فساد ایجاد نماید که چهره حزب‌الله را خراب کند. باید مواظب باشید. این، به عهده خودتان است...

بیانات رهبری، در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا

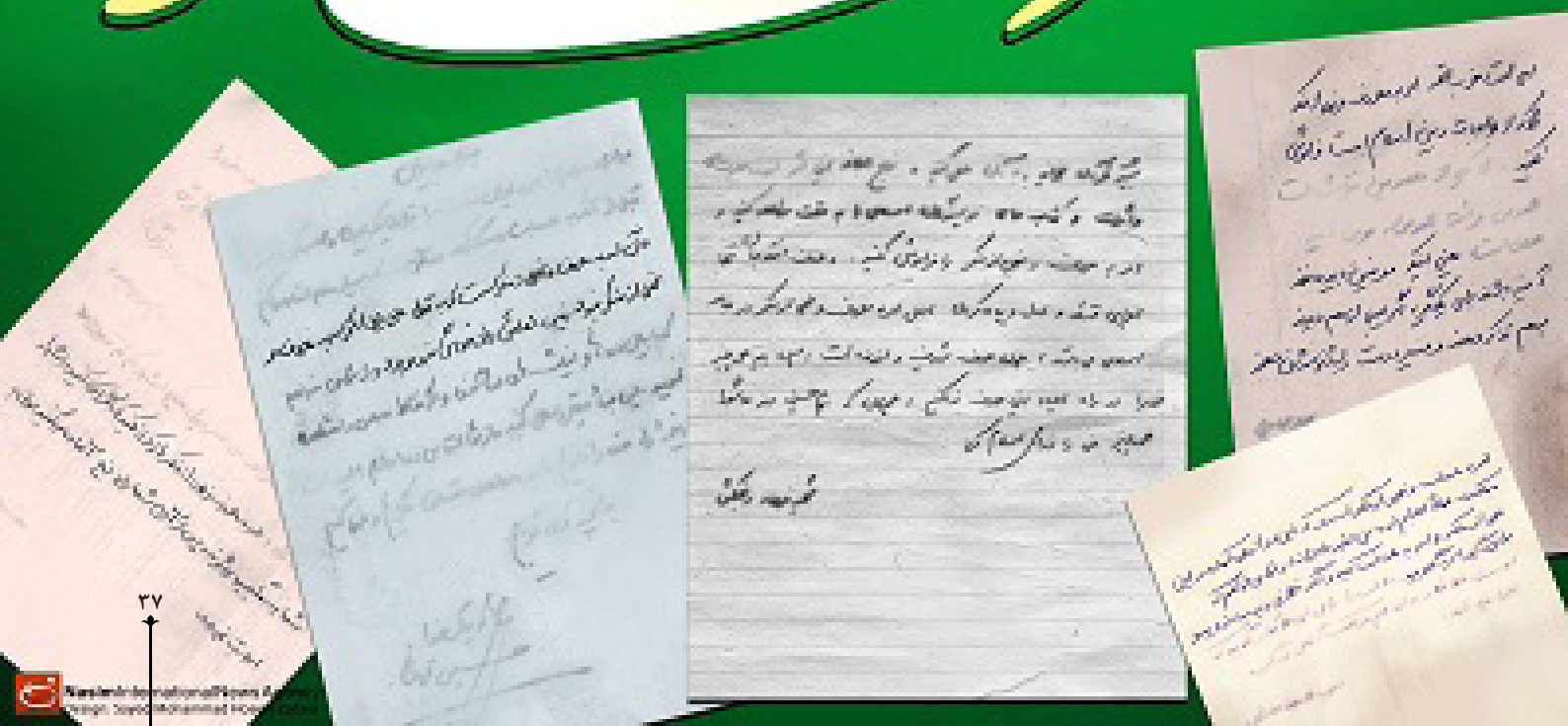


وہی از



عبدعزیز بنی امریہ معروف و
نہی از معکر بادشاں نروذ کہ اگر
در فکرش نباشید دشمن بر شما مسلط
می شود و بر شما ستم می کند پس کاری
نکنید کہ عذاب الہی بر شما نازل شود

وہی از



آیت الله مظاهری

چنانچه بر اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر یا انجام دادن آن به روش نادرست موجبات گمراهی و انحراف فردی از انسانها فراهم شود، گناه آن معادل گمراهی تمام افراد جامعه است.



روست
امعه است.



نشانه غیرت دینی
و احساس مسئولیت است